

ارسال: ۱۴۰۳/۱۱/۱

پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۴

doi 10.22034/nf.2026.500357.1382

وکالوی چالش‌ها و معضلات برخی اتباع عثمانی در مشهد از دوره مشروطه تا پایان عصر قاجار

شهین فارابی* (استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، مشهد، ایران)

چکیده: سفر به شهر مشهد و سکونت در آن برای اتباع کشورهای دیگر از جمله اتباع عثمانی به‌رغم مهیا بودن جاذبه‌های معنوی و سیاحتی، به‌ویژه از دوره مشروطه تا اواخر عصر قاجار، در مواردی با معضلاتی همراه بود. این مشکلات به‌سبب تشدید نوسان مناسبات سیاسی - مذهبی دو کشور، و وجود برخی عوامل واگرایی فرهنگی، اقتصادی و حقوقی بود. در این مقاله تلاش شده است، براساس منابع و اسناد تاریخی و با روش توصیفی - تحلیلی، نوع مشکلات و معضلات برخی از اتباع عثمانی مهاجر به شهر مشهد در دوره قاجار و شیوه‌های رویارویی آن‌ها برای برون‌رفت از این معضلات شناسایی و بررسی شود. بیشترین یافته‌های این پژوهش مبین آن است که سیاست مالیاتی برخی امرای محلی خراسان در عصر قاجار، در راه‌ماندگی و موانع صدور تذکره برخی از اتباع عثمانی در مسیر مشهد، دعاوی حقوقی و ملکی، موانع تجاری اتباع عثمانی و عدم تعیین تکلیف برخی از اتباع عثمانی محبوس در این شهر از جمله چالش‌ها و معضلاتی بوده که بخشی از اتباع عثمانی از آن مصون نبوده‌اند. برخی از این معضلات با تلاش‌های حمایتی متولیان محلی با مساعدت ادارات مربوطه در مرکز مرتفع شده و بخشی دیگر، به‌سبب زیرساخت‌های نامناسب اقتصادی اواخر عصر قاجار و عدم همکاری سریع و به موقع ادارات مربوطه، ناشی از نابسامانی‌های دیوانی این دوره، لاینحل باقی مانده و به شکل‌های دیگری به دوره بعد انتقال یافته است.

کلیدواژه‌ها: اتباع عثمانی، چالش‌ها و معضلات، قاجار، مشهد

مقدمه

مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت شیعه‌مذہبان آسیای صغیر به ایران و، در مقابل، خروج برخی از

* Sh.farabi@pnu.ac.ir

اهل تسنن از ایران به عثمانی، جریانی است که از دوره صفویه و پس از جنگ‌های این دو کشور آغاز شد و تا دوره قاجار ادامه یافت. در واقع، تشدید یا تضعیف میزان خصومت ایران و عثمانی تأثیر مستقیمی بر این جریان داشت.

با مطالعه در مناسبات ایران و عثمانی در دوره قاجار و بررسی مفاد قراردادهای ارزروم اول و دوم، روشن می‌گردد که با وجود تأکید این معاهدات بر حل مشکلات سیاسی و اقتصادی و رعایت مسائل حقوقی و هویتی و شئون کرامت انسانی اتباع دو کشور، اختلافات مرزی میان دو کشور همچنان به شکل لاینحل باقی ماند و معضلات اتباع که در قالب تاجر و... به شکل موقت یا دائمی قصد اقامت داشتند، همچنان پابرجا بود. برخی از اتباع عثمانی در مشهد گاهی از مشکلات و موانع به تولیت وقت آستان قدس شکایت می‌بردند.

تولیت وقت آستان رضوی معمولاً طی مکاتباتی که با مراجع ذی‌ربط، از جمله ریاست تذکره خراسان، ریاست جلیله قشون خراسان و مقامات جلیله کبری یا پیشکاران ایالتی خراسان داشت، از ارکان مهم پاسخگویی به این خواسته‌ها و نیازها بود. بر این اساس، بررسی میزان نقش این نهاد مقدس در مشهد، جهت پاسخگویی مناسب به نیازهای زائران داخلی و خارجی و تلاش برای حل این مشکلات، از جمله موارد مهمی است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

در حوزه روابط خارجی ایران و عثمانی در دوره قاجار، کتاب چهارجلدی اسناد و مکاتبات تاریخی ایران قاجاریه به قلم محمدرضا نصیری (۱۳۶۸)، که براساس بایگانی نخست‌وزیری استانبول و نیز آرشیو وزارت امور خارجه نگاشته شده از منابع مرجع، ارزشمند و راهگشاست، که شایسته است با دقت مورد واکاوی قرار گیرد. همچنین کتاب دیگری نیز به قلم ایشان با عنوان مناسبات ایران و عثمانی در زمان ناصرالدین‌شاه به زبان ترکی استانبولی نوشته شده که انجمن مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیایی و آفریقایی در سال ۱۹۹۱م، در توکیو به چاپ رسانده است. این اثر نیز حاوی نکات ارزشمندی در رابطه با مناسبات ایران و عثمانی در دوره قاجاریه است.

در سال‌های اخیر در حوزه مناسبات خارجی ایران و عثمانی، با تأکید بر وضعیت زوار و اتباع، مقالات چندی نگاشته شده که اغلب فقط از زوایای خاصی به مشکلات اتباع ایران در عثمانی توجه

شده است و چون مرتبط با عنوان مقاله حاضر نیست از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود. تنها مقاله‌ای که تا حدودی می‌تواند مرتبط با مقاله حاضر باشد مقاله‌ای است با عنوان «خراسان در نگاه عثمانیان (با تأکید بر منابع ترکی عثمانی)» به قلم طاهر بابایی و حمیدرضا ثنائی (۱۳۹۹) که منابع ترکی را به دو دسته متقدم و متأخر تقسیم کرده و به این نتیجه رسیده که نگاه عثمانیان به خراسان طی قرون مختلف، دچار تحولات بسیاری شده است و منابع متأخر، که تاریخ معاصر خراسان را بررسی می‌کنند، کاملاً گذرا و محدود به اوضاع جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خراسان توجه کرده‌اند.

در مقاله حاضر، سعی شده است با تمرکز بر چندین سند نویافته از آرشیو آستان قدس رضوی و مرکز اسناد وزارت امور خارجه، این نقص اطلاعات تا حدودی جبران شود و معضلات برخی از اتباع عثمانی در مشهد، به‌ویژه در اواخر عصر قاجار که بیشتر از نوع اقتصادی، تجاری و حقوقی به شمار می‌رفت، مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد. منابع تخصصی احتمالی در مراکز آرشیوی استانبول است که دسترسی راقم این سطور به آن مراکز میسر نگشته است.

پیش‌زمینه‌ای دربارهٔ مناسبات ایران و عثمانی در عصر قاجار

جنگ‌ها و درگیری‌های سیاسی ایران و عثمانی که از گذشتهٔ دور تا کنون، در زیر مجموعهٔ عوامل واگرایی بررسی می‌شوند، نیاز دو کشور به رعایت برخی هم‌گرایی‌ها با دو قرارداد ارزروم اول و دوم در عصر قاجار، به‌ویژه در مورد مشکلات اتباع رخ داد، اگرچه این هم‌گرایی به‌طور موقت بود. براساس این معاهدات، روشن می‌شود که از سال ۱۲۳۸ق تا دوران ناصرالدین‌شاه، بیشتر تأکید بر ضرورت رعایت قوانین شرعی، عرفی، حقوقی و تجاری زوّار و اتباع ایرانی در مکه، مدینه و عتبات عالیات از سوی مأموران مالیاتی عثمانی بوده است (گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی ۱۳۶۹، ص ۲۹۶؛ مهندس‌باشی ۱۳۴۸، ص ۴۵-۴۶؛ پارسا دوست ۱۳۷۰، ص ۸۶؛ فراهانی ۱۳۴۲، ۱۰۱-۱۳۰). سفر ناصرالدین شاه به عتبات عالیات و زیارت این اماکن متبرکه و دیدار با علمای وقت عتبات در زمان سلطان عبدالعزیز (نصیری ۱۹۹۱م، ص ۱۵۱-۱۸۴) و پیامدهای آن - که سید محمدحسین شهرستانی، یکی از علمای کربلا، در سفرنامه‌ای با عنوان شهریار جاده‌ها چاپ کرده - در سایهٔ همین فضای دوستانهٔ ایران و عثمانی و پس از عهدنامهٔ دوم ارزروم صورت پذیرفته است (شهرستانی ۱۳۷۲، ص ۹۹ به بعد). نیازهای فرهنگی دو کشور ایران و عثمانی، روابط تجاری، ورود استعمار و نوسان فرهنگ تجدّد در کشورهای مسلمان مشرق‌زمین در

عصر قاجار، سپس تحولات ناشی از انقلاب مشروطه در ابعاد مختلف، باعث نوعی هم‌گرایی در روابط میان این دو کشور در دوره سوم (از اواسط حکومت ناصرالدین‌شاه تا پایان حکومت قاجار) شد (Ahmadavand 1997: p. 35, 36، ریاحی ۱۳۶۸، ص ۱۹، ۲۰).

معضلات برخی از اتباع عثمانی در مشهد

در بخش اصلی پژوهش حاضر، معضلات عثمانی‌های ساکن مشهد به پنج بخش مشکلات مالیاتی، دعاوی حقوقی و ملکی، بلا تکلیفی برخی از اتباع عثمانی محبوس در این شهر، معضلات تجاری و سیاسی - نظامی، قابل تفکیک است و از منظر چگونگی حل و فصل آن‌ها از سوی مقامات وقت مشهد به‌ویژه متولیان آستان قدس، قابل بررسی و تحلیل است. درباره این معضلات، برخی اسناد پراکنده در آرشیوهای عثمانی و ایران موجود است. دسترسی به اسناد آرشیوهای عثمانی مقدور نبود و تنها گزیده‌ای از اسناد موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی و آرشیو وزارت امور خارجه ایران در اختیار نگارنده مقاله حاضر قرار گرفت و بر مبنای اطلاعات موجود در آن، تحلیل صورت گرفت. این اسناد دسته‌بندی و گزینش شده به دو دسته عریضه‌ها و پاسخگویی آستان قدس رضوی به آن‌ها تقسیم می‌شود که کشف معضلات عثمانی‌ها در مشهد از لابه‌لای این اسناد، قابل استخراج است. مطالعه و بررسی برخی اسناد در قالب عریضه، که در دسته‌بندی تاریخ‌نگاری سنتی (نگاه از بالا به پایین) شاید جزو اسناد درجه سوم و چهارم به لحاظ اهمیت قرار بگیرند، به لحاظ تاریخ اجتماعی دو کشور از اهمیت زیادی برخوردارند و می‌توانند نمایانگر صفحات جدیدی از فرهنگ عامه مردم باشند.

مشکلات مالیاتی

دولت قاجار به دلیل هزینه‌های سنگین نظامی، اداری و اجتماعی به درآمدهای مالی نیاز مبرم داشت. این نیازها ناشی از درگیری‌ها و جنگ‌های مکرر، به‌ویژه با قدرت‌های خارجی همچنین هزینه‌های اداری و نظامی کشور بود. اواخر عصر قاجار، فعالیت‌های تجاری به‌ویژه با ورود سرمایه‌های خارجی تجار غربی، نظیر بریتانیا و روسیه، کشور را دچار تحولات عظیمی کرده بود، از این‌رو دولت قاجار نیاز به اخذ مالیات از این تجار را بیش از پیش ضروری دانست. اخذ مالیات (به شکل مستقیم و غیرمستقیم) از اتباع خارجی، نه تنها به عنوان یک منبع مالی برای دولت، بلکه به عنوان راهکاری برای کنترل و مدیریت اقتصادی کشور محسوب می‌شد (سیف ۱۳۷۳، ص ۷۶-۸۴).

با اخذ مالیات از اتباع عثمانی در مشهد، مشکلاتی برای برخی از اتباع در راه‌مانده به سبب سیاست‌های اقتصادی امرای محلی خراسان به وجود آمد. برخی سیاست‌های نادرست اقتصادی امرای محلی خراسان نه تنها موجب تضعیف اقتصاد منطقه، بلکه سبب نارضایتی‌های اجتماعی و افزایش بحران‌های سیاسی شد و اثرات منفی قابل توجهی بر توسعه پایدار و رفاه عمومی مردم خراسان گذاشت.

در این میان، تنها راهکاری که اتباع بدان متوسل می‌شدند، نوشتن عریضه‌های عاجزانه به متولی‌باشی وقت آستان قدس و تقاضای رسیدگی و رفع و رجوع مشکلات‌شان بود. آن‌ها معمولاً اظهار می‌داشتند، در صورت عدم رسیدگی به شکایات و عدم احقاق حقوق‌شان، در قیامت دست به دامان پیامبر (ص)، سیدالشهدا (ع) و امام رضا (ع) خواهند شد (ساکماق، ۶۳۰۰۵، ص ۵)، (تصویر ۱). این مشکلات مالیاتی صرفاً مربوط به زوار نبود، بلکه به تجار خارجی مقیم مشهد که به فعالیت تجاری در یک حرفه خاص مشغول بودند و صاحب تجارتخانه‌های جزء بودند نیز مربوط می‌شد. تمرّد مالیاتی برخی از این اصناف در مشهد، که خلاف قانون مربوط به اتباع بود، از مصادیق این سخن است که در بخش معضلات تجاری اصناف عثمانی به تفصیل بیان خواهد شد.

دعاوی حقوقی و ملکی و موانع صدور تذکره

در دوره قاجار، اتباع خارجی در ایران طبق معاهداتی مانند گلستان و ترکمانچای از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بودند که به آن‌ها اجازه می‌داد تا در محاکم خاص‌شان به دعاوی خود رسیدگی کنند. این بدان معنا بود که آن‌ها از دادگاه‌های ایرانی مستثنی شده و می‌توانستند تحت قوانین کشور خود مورد قضاوت قرارگیرند. این وضعیت نه تنها به ملت‌ها حساسات ملی‌گرایی در ایران منجر می‌شد، بلکه اتباع خارجی را با موقعیتی ناامن روبه‌رو می‌کرد، زیرا ممکن بود حق آن‌ها به درستی در دادگاه‌های بین‌المللی مورد توجه قرارنگیرد (شمیم ۱۳۷۵، ص ۱۰۲ و ۱۰۳). از جمله عوامل ناکامی اتباع در دعاوی حقوقی، آشنا نبودن برخی از آن‌ها با نظام حقوقی ایران و زبان فارسی در حوزه روابط فرهنگی بود که می‌توانست به عدم حمایت کافی از حق و حقوقشان بینجامد (علیزاده بیرجندی ۱۳۸۵، ص ۳۹).

یکی از مسائل مهمی که تولیت وقت آستان قدس برای رسیدگی به دعاوی حقوقی اتباع عثمانی در مشهد ملزم به رعایت آن‌ها بود، احقاق حق ایشان مطابق قوانین حقوقی دو کشور ایران و عثمانی بود.

در این خصوص، برخی مکاتبات میان آستان قدس با ریاست قشون خراسان صورت می‌گرفت. امیرعلی خان (پسر مرحوم ضیاء خاقان)، یکی از رعایای عثمانی بود که گرفتار این نوع دعاوی حقوقی در ارتباط با ماترک پدرش شده بود و این مسئله، اگرچه به ظاهر یک موضوع خانوادگی و شخصی بود، اما نشان می‌داد که برای این نوع مشکلات نیز اتباع عثمانی در مشهد نیازمند حمایت قانونی و احقاق حق از سوی دولت حاکمه بوده‌اند (تصویر ۲) (ساکماق، ۱۰۴۳۵۷، ص ۱). چنین مصادیقی نشانگر آن است که در عصر قاجار، دولت ایران و مقامات دولتی خراسان، در قبال دولت عثمانی و مشکلات تبعه این دولت بی‌تفاوت نبوده و مطابق قوانین حقوقی همان کشور رفتار می‌کرده‌اند.

دعاوی حقوقی و ملکی اتباع عثمانی، ابعاد دیگری را نیز دربرمی‌گرفت که گاه به توقیف منازل شخصی آن‌ها از سوی کارگزاری خارجه خراسان منتج می‌گردید. شیخ عباس یکی از این اتباع در مشهد بود که در سال ۱۳۳۴ق، کارگزاری خارجه وقت خراسان منزلش را توقیف کرد و ظهیرالاسلام (متولی‌باشی آستان قدس) از اداره مزبور خواست به این پرونده رسیدگی کند. این قبیل معضلات و مشکلات شاهدهی بر نابسامانی‌های دیوانی و اقتصادی آستان قدس و عدم توازن مناسب در مناسبات میان آستان قدس و دیگر ادارات وقت در خراسان بود (ساکماق، ۱۰۴۱۲۵، ص ۱).

همان‌گونه که زوآر ایرانی در مسیر کربلا و عتبات عالیات گرفتار مشکلات اقلیمی، انواع بیماری‌ها، معضلات امنیتی و اقتصادی می‌شدند، زوآر عثمانی نیز در ایران به‌ویژه در شهر مشهد، دستخوش مشکلاتی می‌شدند که فقط به‌لحاظ نوع با هم تفاوت داشت. هدف این زوآر از بیان مشکلات اقتصادی خود معمولاً طلب کمک و حمایت‌های مالی برای انجام یک زیارت بدون دغدغه و بازگشت به کشورشان در کمال عزت و سربلندی بود (ساکماق، ۲۵۳۱۹، ص ۱ و ۳). تولید آستان قدس نیز در سال‌های پایانی حکومت قاجار، به‌رغم مشکلاتی که به لحاظ اقتصادی دچار شده بود، در حل معضلات اتباع خارجی که جهت زیارت راه زیادی را از نجف به کربلا آمده بودند بی‌تفاوت نبود و حتی آن‌ها را به منزل خویش فرا می‌خواند تا بتواند مشکلی از هزاران مشکل آن‌ها را برطرف کند (ساکماق، ۲۵۳۱۹، ص ۱).

در راستای اهمیت مناسبات مذهبی ایران و عثمانی و ضرورت صدور تذکره برای زائران دو کشور، مکاتباتی میان متولی‌باشی آستان قدس و ریاست تذکره خراسان موجود است، که نشان دهنده تلاش این تولید برای حل معضلات اتباع و ایجاد تسهیلات برای ایشان است.

تقاضاهای مکرر مرتضی‌قلی طباطبایی (تولیت وقت آستان قدس در سال ۱۳۳۱ق) از ریاست تذکره

خراسان و سیستان، جهت صدور تذکره برای عبور سریع‌تر و بی‌دغدغه‌تر تعدادی از کارکنان آستان قدس برای تشرّف به عتبات عالیات از مصادیق این موضوع است (ساکماق، ۱۰۳۲۱۷، ص ۵).

بلا تکلیفی برخی از اتباع عثمانی محبوس در مشهد

اداره نظمیّه برخی از اتباع عثمانی را به دلایل مختلف در مشهد محکوم به حبس‌های کوتاه مدت می‌کرد. در این میان، تولیت آستان قدس به جهت تأمین نظر و جلب رضایت مسافران و اتباعی که از راه دور از جمله، عثمانی به مشهد وارد می‌شدند، همچنین به منظور پیشگیری از خلل در جاذبه‌های معنوی مشهد - به عنوان کانون تجمع شیعیان در ایران - واسطه می‌شد و به حمایت از تبعه یا زائر عثمانی به رفع مشکل می‌پرداخت. به عنوان نمونه، در بررسی یکی از اسناد که حکایت از یک مشکل امنیتی و حقوقی برای امیرعلی خان ضیاء خاقان و در نتیجه به حبس افتادن مشارالیه در مشهد بود، سید جواد ظهیرالاسلام که بعد از مرتضی قلی طباطبایی در دو دوره (۱۳۳۴-۱۳۳۵ و ۱۳۳۶-۱۳۳۸ق)، تولیت آستان قدس رضوی را عهده‌دار بود، در نامه‌ای که خطاب به والی خراسان نوشت نه تنها خواستار عفو و استخلاص امیرعلی خان از حبس شد، بلکه به مقام مربوطه پیشنهاد داد که مشارالیه را در اداره تشریف استخدام نمایند (ساکماق، ۱۰۴۶۴۱، ص ۱). اهمّیت این مسئله به حدّی بود که جهت حل و فصل موضوع، پای مقامات بالاتر به میان آمد و میان متولی باشی و شاه وقت قاجار (احمدشاه) نیز مکاتباتی انجام شد:

... محض استحضار خاطر مبارک، با نهایت احترام عرض می‌کنم که مبلغی اسباب از پدر این بیچاره تلف شده و در اطاقی مخفی کرده بودم. بعضی را بدون اطلاع داعی ریاست نظمیّه فرستاده، درب اطاق را باز کرده و برده‌اند و مستدعی‌ام اکیداً امر و مقرر شود اسباب را موافق صورتی که نزد داعی است، بدون کم‌وزیاد رد کنند. ثانیاً اگر مقتضای رأی مبارک است، به اداره قشون امر فرمایند که امیر علی‌خان را به استخدام بپذیرند که مزید امیدواری او باشد و اقلّاً به مرحمت حضرت اقدس واله جبران صدمات او را بکند (همانجا)

براین اساس، حکم مجدّدی این بار از سوی شاه، در تسریع این موضوع صادر گردید. در مکاتبه دیگری، ظهیرالاسلام خطاب به مشارالسلطنه از ایشان کسب تکلیف می‌نماید که برای او مجازاتی تعیین نمایند، اما استخلاص او را از حبس در اولویت قرار دهند، زیرا وی بی‌گناه و مبرّی از سرقت است (ساکماق، ۱۰۴۷۷۵، ص ۱)، (تصویر ۳). به‌رغم این میزان مکاتبات نوع‌دوستانه از سوی آستان قدس برای این تبعه عثمانی به اداره نظمیّه، اداره مذکور وقتی بر این مسئله نمی‌نهد و قریب به چند

هفته، آزادسازی این تبعه را به تأخیر می‌اندازد و این مسامحه و تعلل اسباب ناآرامی‌های روحی و جسمی وی را فراهم می‌کند (ساکماق، ۱۰۴۶۴۱، ص ۲).

معضلات تجاری برخی اصناف عثمانی در مشهد

بخش دیگری از چالش‌ها برای برخی از اتباع عثمانی در مشهد، در حوزه تجارت بود که به بررسی و تحلیل آن پرداخته می‌شود. عدم مدیریت صحیح مقامات وقت قاجار پس از معاهده ارزروم اول و دوم، در برطرف کردن برخی مشکلات و اختلافات دیرینه سیاسی میان دو کشور مسلمان (ایران و عثمانی) ترازهای تجاری در سال‌های پس از مشروطه پایین آمد یا منفی شد و به دنبال آن، فعالیت‌های تجاری عثمانی‌ها نیز در برخی شهرهای ایران از جمله، مشهد که محور اصلی مقاله حاضر است، مختل گردید.

مطابق گزارش یکی از نسخ خطی، صادرات عثمانی به ایران در عصر قاجار، حدود سه کرور تومان شامل، گوسفند، قالی، پارچه‌های مختلف از جمله، عبای عراقی، گلابتون خالص، شال‌های انگوری، چیت، همچنین زرنیخ، قلم، تافته، بقچه، پرده، لنگ و برخی خشکبار از جمله، کشمش، آلوی ترش و برنج بود و صادرات ایران به عثمانی بسیار کمتر و حدود نیم کرور تومان بود (قصابی گزکوه ۱۴۰۲، ص ۳۹۶). مشهد در دوره قاجار از مراکز مهم تولید فرش و منسوجات در خراسان بود و این رونق را مرهون پشم مرغوب گوسفند، شتر و بز خراسان، به‌ویژه ابریشم خواف بود (سامی ۱۳۱۷، ص ۲۰۳۱؛ رفعت افندی ۱۲۹۹، ج ۳، ص ۱۸۹؛ کاتب چلبی ۱۲۴۵، ص ۳۱۹). این منسوجات به‌طور چشمگیری در اقتصاد خراسان تأثیرگذار بود و به‌سبب حضور گروه‌های جمعیتی مقیم مشهد، سبک‌های متنوعی داشت که تا سال ۱۳۲۴ق، یکی از صنایع مهم صادراتی مشهد به‌شمار می‌رفت. این صنعت تا اواخر عصر قاجار ادامه یافت که این تداوم را مدیون بازرگانان تبریزی بود.

فعالیت تاجران عثمانی در مشهد، به‌تدریج باعث افزایش تعداد دارهای قالی و افزایش صادرات قالی از کارگاه‌های معتبری همچون عمو اوغلی و حاج علی خامنه شد (نجف‌زاده و قصابی ۱۴۰۲، ص ۲۸۷-۲۸۹، به نقل از نصیری ۱۳۷۱، ص ۱۹۰)، شاید اگر تولید این فرش‌ها در خراسان نبود، سایر فرش‌های تولیدی مشهد در رده پایین‌تری قرار می‌گرفت.

برخی از اتباع عثمانی در مشهد، در مشاغل مختلفی فعالیت می‌کردند از جمله، قن‌ساز (آرشیو

منتشر نشده اسناد وزارت خارجه، ۸۷ / ۱۹-۲۸-۱۳۲۱ق)، میوه‌فروشی، بقالی، عطاری، آهنگری، مسگری، شعربافی و توتون‌فروشی. هریک از این مشاغل، مطابق قانون ملزم به پرداخت مالیات اصناف به کارگزاران مشهد بودند (قصایی گزکوه، ۱۴۰۲، ص ۳۹۶)، اما برخی از این اتباع از دادن مالیات خود سر باز می‌زدند. افزایش شمار متمردان مالیاتی، سبب شد وزارت خارجه ایران به عموم کارگزاری‌های ایرانی از جمله، منتخب‌الملک (کارگزار وقت خراسان) در مورد دریافت مالیات اصناف از اتباع عثمانی دستور جدیدی صادر کند که براساس آن، از شهروندان عثمانی که در مشاغل یاد شده فعالیت می‌کردند مالیات اصنافیه دریافت کنند (آرشو اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه، ۲۶/۲۸-۱۹-۱۳۲۳ق).

نمونه‌ای از مشکلات اتباع خارجی در مشهد، موسیو طودوری کریوهانس - تبعه عثمانی - بود که در سال ۱۳۲۴ق به منظور تجارت قالی در مشهد ساکن شد. او جهت سکونت و تجارت، چهار حجره از حجره‌های تیمچه حاجی محمدجعفر را در این شهر اجاره کرده بود. باتوجه به اینکه برخی قیام‌ها و آشوب‌های منطقه‌ای معمولاً بر رکود تجارت تأثیرگذار است، در اغتشاش صفر سال ۱۳۲۴ در مشهد، بخشی از تیمچه و از جمله برخی اموال طودوری طعمه حریق شد. به دنبال این ماجرا مطابق قوانین انگلیس در مشهد، سفارت عثمانی در جمادی‌الاول همین سال از وزارت خارجه ایران درخواست تحقیق و پرداخت غرامت نمود (آرشو اسناد وزارت خارجه، ۹۷، ۸۵-۲-۱-۱۳۲۴هـ.ق). سفارت کبری عثمانی همچنین در سوم این ماه به کارگزاری خراسان نوشت، موسیو طودوری کریوهانس، تبعه عثمانی و ساکن ارض مقدس مشهد است که مدت شش ماه، با عیال خود برای دادوستد فرش به مشهد وارد شده است. او در تیمچه حاجی محمدجعفر، حجره گرفته بود که در جریان اغتشاش صفر ۱۳۲۴ق، حجره و انبار او به دست شورشیان به آتش کشیده شد و این موضوع از طرف کنسول انگلیس نیز تأیید شده است. تأیید کنسول انگلیس از این جهت برای دولت عثمانی اهمیت داشت که امور مربوط به اتباع عثمانی در مشهد تا سال ۱۳۳۷ق، به جنرال کنسول انگلیس محول شده بود (آرشو اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه، ۱۵ / ۵، ۲۱-۱۳۳۷). شایان ذکر است که کنسولگری عثمانی با عنوان «باش شهرداری عثمانی» در ۲۹ شعبان ۱۳۴۱، به طور رسمی در مشهد افتتاح شد (نجف زاده ۱۳۸۹، ص ۱۳۷).

طودوری خود نیز در عریضه‌ای، ارزش اموال مسروقه و نابودشده تیمچه خود را که شامل میزهای تحریر، صندلی‌ها، جعبه‌های پیله کرم ابریشم، برخی لباس‌ها، پرده‌ها و تمبرهای پست بود، قریب به هشتصد تومان که در آن زمان رقم بالایی بود ارزش‌گذاری نمود. البته بعدها، مطابق تحقیقات حاجی

حسن مقوم (دلال اتباع خارجی در مشهد) و گزارش او به کنسولگری انگلیس، مشخص شد که ارزش ریالی اموال او بسیار کمتر از آن چیزی بوده که خودش ادعا نموده است (آرشیو اسناد منتشر نشده وزارت خارجه، ۱۳۲۴-۱-۲-۸۵/۱).

تجارت تریاک در عصر قاجار از دیگر مشاغل تجاری رایج اتباع عثمانی در مشهد بود، زیرا بخش قابل توجهی از تریاک مصرفی ایران از طریق کشورهای همسایه از جمله، عثمانی تأمین می‌شد (آدمیت ۱۳۵۴، ص ۳۹۹). اما اسناد و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که تجارت در این شهر، گاه با موانعی از سوی اداره مالیات یا آستان قدس روبرو بوده است، زیرا حاکمان منطقه خراسان و سیستان در سال‌های پس از مشروطه، بیش از سایر شهرهای ایران مبارزات جدی علیه استعمال تریاک داشته‌اند (کوهی کرمانی ۱۳۲۴، ص ۱۵۴). به نظر می‌رسد، به دلیل بُعد مذهبی خراسان به‌ویژه مشهد، این مسئله در مشهد پررنگ‌تر از سایر شهرهای ایران بوده باشد، زیرا تریاک علاوه بر آسیب‌های اجتماعی به‌لحاظ مذهبی نیز از سوی علمایی چون ملامحمد سلطان گنابادی، ابوالحسن شیرازی و سید کاظم یزدی در سال‌های پس از مشروطه، تحریم و قانون تحدید این محصول در مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۹ق تصویب شده بود (تابنده گنابادی ۱۳۵۹، ص ۸۸۸-۸۸۹). به دنبال سلسله مبارزات مذکور علیه این کژکار اجتماعی، متولیان آستان قدس از جمله، ظهیرالاسلام نیز سخت‌گیری‌هایی درباره صدور جواز تریاک از مزارع استیجاری خراسان کرده بودند که براساس آن، این محصول توقیف می‌شد (ساکماق، ۱۳۹۲ق و ۱۰۴۳۷۶).

سید حسن طباطبایی از جمله اتباعی بود که مأموران اداره مذکور، چهار من تریاک او را بدون دلیل ضبط کرده بودند و این تبعه تاجرپیشه طی عریضه‌های بی‌نتیجه و بی‌پاسخ ادعا کرده بود که:

... چون در این موقع، شخصی که منافع ما را حفظ کند در مشهد نیست اداره مالیات علناً به ما زور می‌گوید.

(آرشیو اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۵-۲۶-۳۷/۱۸ هـ.ق)

زمانی که این اخبار به مقامات بالاتر از جمله، وزارت امور خارجه انعکاس یافت، این اداره با تلگرافی در ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۵، به کارگزار خراسان نوشت جهت رسیدگی به شکایت سید حسن طباطبایی، ابتدا بر اساس اسناد و دلایل صحیح و متقن تحقیقات لازم در زمینه تشخیص هویت و تابعیت او انجام دهند، سپس تکلیف نمود که اگر از طرف اداره مالیات به او تعدی شده است، تریاک او از اداره مالیات مشهد به وی مسترد شود، اما اگر تابعیت عثمانی او محرز نشود او را به مقامات عالی‌تر ارجاع نماید (آرشیو اسناد منتشر نشده وزارت خارجه، ۱۳۳۵-۲۶-۳۷/۱۸ هـ.ق، به نقل از قصابی گزکوه ۱۴۰۲، ص ۳۹۷-۳۹۹).

اهداف سیاسی و نظامی برخی از اتباع عثمانی در مشهد و معضلات آن

گاهی معضلات حضور عثمانی‌ها در ایران به‌ویژه در خراسان و سیستان و در طرف مقابل، حضور ایرانی‌ها در عتبات‌عالیات، ابعادش از سطح حوزه اقتصادی فراتر رفته و تا سطح سیاسی و نظامی گسترش می‌یافت. این امر باعث می‌شد که برخی از عثمانی‌ها، نه به شکل داوطلبانه و از روی شوق و رغبت و تمایلات زیارتی و معنوی، بلکه به شکل غیرداوطلبانه و از روی اجبار و بنا به تنگناهای سیاسی، روانه ایران (مشهد) شوند.

مصادف با دوران جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م)، همان‌گونه که به‌نوعی پایان دوره برخی امپراطوری‌ها از جمله، اتریش، مجارستان، روسیه و آلمان بود، امپراطوری عثمانی نیز با عمری حدود ششصد سال دچار اضمحلال گردید. برخی صاحب‌نظران معتقدند که، اگرچه عثمانی‌ها در سال‌های گذشته جنگ‌هایی به مراتب سخت‌تر از جنگ جهانی اول را تجربه نموده بودند، اما اقوام و ملیت‌های تشکیل دهنده عثمانی که به دنبال تحقق اهداف قومیت‌خواهی و ناسیونالیسم خود در منطقه بودند و دیگر نمی‌توانستند در کنار عثمانی‌ها باقی بمانند، به شکست سریع‌تر دولت عثمانی کمک کردند (امامی خوبی و رضایی ۱۳۹۲، ص ۵۶ و ۵۷).

بحران‌های سیاسی قلمرو عثمانی به ایران نیز انعکاس یافت. مجلس عثمانی در سال ۱۳۳۳ق، بیانیه‌ای پیرامون تعدیات نسبت به کشورهای مسلمان مطرح کرد و کشورهای مسلمان را به جهاد دعوت نمود (ساکماق، ۱۳۳۸۰۷، ص ۱). بخشی از این بیانیه تأکید می‌کند، که تمامی اتباع عثمانی که داخل حوزه خلافت‌اند اعم از علما، مدرّسان و معلمان و حتی خانواده‌های بی‌پناه، باید برای شرکت در این جهاد بسیج شوند (همان‌جا). این بدان معنی بود که اتباع عثمانی عازم جنگ و جهاد، که به شکل غیر داوطلبانه روانه ایران (مشهد مقدس) می‌شدند، از تبعات جنگ و مشکلات آن مصون نبودند. یکی از مجاهدان خاک عثمانی که در جنگ با روس‌ها شرکت کرده بود، در عریضه‌ای خطاب به تولیت آستان قدس اظهار کرده بود:

... بعد از آنکه مدتی اسیر بودیم و چقدر از اسرا از گرسنگی و برهنگی تلف شدند، مسلمانان قفقاز همت کرده ما چند نفر را نجات داده به طرف ایران گریزانیدند و ما دو نفر وارد مشهد شدیم... (ساکماق،

۲۵۳۱۹، ص ۵)

بدین ترتیب، بیشترین عریضه‌های اتباع عثمانی در خراسان، به جهت درخواست‌های مالی از آستان

قدس رضوی است. گاهی، این درخواست‌ها به مقامات مافوق آستان قدس نیز بیان می‌شده است. درخواست تاجرباشی دولت عثمانی مقیم تهران از امجدالسلطان جهت پرداخت هرچه سریع‌تر مابقی وجه حواله میرزاعلی آقا کردستانی در سال ۱۳۳۴ق، از مصادیق این مدعاست (ساکماق، ۱۸۰۱، ص ۱)، (تصویر ۴).

در همین ایام، اخباری مبنی بر همکاری سیستمی‌های سنی مذهب با عثمانی‌ها، به سبب اشتراک مذهب با ایشان و احتمال طرفداری آن‌ها از آلمان شایع شده بود که دولت انگلیس، حاکم وقت این منطقه را ملامت کرد و مکاتبه‌ای در این زمینه مبادله شد (ساکماق، ۲۶۳۵، ص ۴).

عملکرد متولیان آستان قدس در رویارویی با این معضلات

مطالعه اسناد عصر قاجار در بخش مربوط به زوار عثمانی در خراسان و زوار ایرانی در عثمانی، نشان می‌دهد که بیشترین مشکلات زوار در خاک این دو کشور، مسائل اقتصادی و مالی بوده که در طول مسیر یا در مقصد برای‌شان پدید می‌آمده است.

به دلیل تاثیر مستقیم وضعیت اقتصادی دولت مرکزی ایران بر امکانات مالی آستان قدس و تلاش متولیان آستان قدس برای حل مشکلات مالی اتباع عثمانی در مشهد، لازم است به نوع عملکرد این متولیان در رویارویی با این معضلات که به شرایط اقتصادی و سیاسی روز جامعه بستگی داشت، توجه شود.

وضعیت اقتصادی دولت قاجار در زمان ورود اتباع عثمانی به مشهد، به ویژه در سال‌های منتهی به انقلاب مشروطه چندان مساعد نبود. خزانه دولت مرکزی تهی و دولت ناچار به وام‌گرفتن از دولت‌های خارجی در مقابل واگذاری امتیازهای متعدد به دولت‌های روس و انگلیس، به ویژه انگلیس بود (دشتکی‌نیا ۱۳۹۹، ص ۱۷۲). در چنین شرایطی، طبیعی به نظر می‌رسید که پرداخت بسیاری از هزینه‌ها به زوار با تأخیر و کندی صورت پذیرد.

تلاش متولیان آستان قدس در عصر قاجار در جهت رسیدگی به زوار و گسترش فرهنگ زیارت از طریق تسهیلات مختلف از جمله، دستگیری از زوار نیازمند و درمانده (به ویژه عرب‌های عراق، حله و بحرین به جهت مراجعه به وطن)، نظارت بر آشپزخانه حرم جهت توزیع خوراک در میان زائران و اطعام زوار مسکین، همچنين شناسایی و جمع‌آوری متکدیان بالا و پایین خیابان بود (علیزاده بیرجندی و همکاران

۱۳۹۱، ص ۸۵). با توجه به اینکه معمولاً عریضه‌ها و درخواست‌های متولیان، مستقیم خطاب به شخص متولی‌باشی نوشته می‌شد از این رو، مساعدت یا عدم مساعدت متولی‌باشی به درخواست‌ها تاحدودی بستگی به زیرساخت‌های اقتصادی تشکیلات آستان قدس داشت.

در گزارش ظهیرالاسلام - داماد مظفرالدین‌شاه و متولی آستان قدس در سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۳۵ و ۱۳۳۸-۱۳۳۹ق - (مرسلوند ۱۳۶۹، ص ۲۶۱ و ۲۶۲) خطاب به شاه در آغاز تولیتش، شمه‌ای از نابسامانی اوضاع اقتصادی آستان قدس به تصویر کشیده شده است. او در این تلگراف، گزارش کرده بود که در آغاز تصدی مسئولیتش در آستان قدس، پرداخت بدهی‌ها به مبلغ ۷۲۰۰۰ تومان نقد و ۲۲۰۰ خروار گندم و ۲۹۰ خروار جو را بر عهده داشته است (کاظم‌بیگی ۱۳۹۹، ص ۲۵۴، به نقل از روزنامه عصر جدید، ش ۵۶، سوم جمادی‌الثانی ۱۳۳۵ق). وی همچنین عنوان کرده بود که از آغاز تولیتش تا ربیع‌الثانی ۱۳۳۵هجری، مبلغ ۸۰۰۰ تومان نقد و ۵۰۰ خروار گندم از بدهی مذکور را پرداخت کرده است (روزنامه ایران، ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۳۵ق). این روند که به کسری بودجه این نهاد منجر شده بود تداوم نیافت، زیرا به نقل از یکی از مفتش‌ان آستان قدس موسوم به معتمدالوزاره، در دوره تولیت ظهیرالاسلام، افزایش بی‌رویه اجاره‌ها و سایر درآمدها، اگرچه درآمد آستان را افزایش داده بود، اما استخدام غیرموجه افراد در ازای اخذ وجه به سود متولی‌باشی و فروش مشاغل آستان از جانب او که از نظام اداری کشور الگو برداری شده بود و نیز سایر هزینه‌های غیرضروری به کسری بودجه انجامیده بود (کاظم‌بیگی ۱۳۹۹، ص ۲۵۴-۲۵۶). طبیعی به نظر می‌رسید که این وضعیت، میراث تولیت‌های قبل از وی بود و انتظار می‌رفت که ظهیرالاسلام بتواند مشکلات مالی را سروسامان دهد و اوضاع را تثبیت کند، اما بررسی اسناد نشان می‌دهد که سیاست‌های وی در طول دو دوره تولیتش به‌خصوص در زمینه تأسیس کمپانی برای اجاره املاک از طریق مزایده، نتوانست کسری بودجه را تأمین کند و اوضاع را سامان دهد. سایر راه‌های درآمدی آستان قدس از جمله، حق‌الارض دفن اموات، برخی معافیت‌های مالیاتی و تلاش برای تسویه حساب‌های این مرکز نیز نتوانست نقص‌های مالی صندوق ذخایر مالی آستان قدس را جبران نماید. علاوه بر این، بالارفتن هزینه‌ها در بخش پرداخت حقوق و مستمری‌ها، دارالشفاء، روشنایی حرم و ضرورت تعمیرات در بخش‌های مختلف عمرانی وابسته به مجموعه آستان قدس در این دور باعث شد، ظهیرالاسلام در فاصله سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۳۹ق، به‌رغم تلاش‌های گسترده‌تر نسبت به دور قبل، نتواند منشأ تغییرات اقتصادی اثرگذار و ساماندهی امور تشکیلات آستان قدس گردد (فارابی ۱۴۰۱، ص ۲۴۵).

از آنجاکه تشکیلات آستان قدس در دوره مظفرالدین‌شاه و سپس احمدشاه، زیر نظر مستقیم شاه اداره می‌شد و ایران در سال‌های پایانی حکومت این دو پادشاه با ضعف و نابسامانی به لحاظ داخلی و خارجی مواجه بود، لذا در این سال‌ها اگر تلاش‌هایی نیز در برآوردن خواست این اتباع صورت می‌گرفت، چندان ریشه‌ای و عمیق نبود.

در چنین شرایطی، عملکرد و تلاش متولیان آستان قدس در مساعدت، تسهیل و رفع مشکلات اقتصادی اتباع عثمانی در مشهد چندان مثمر نبود و به‌رغم تلاش‌هایی که برخی از این متولیان در جهت پاسخگویی به نیاز زائران داخلی و خارجی و اتباع خارجی داشتند، چندان نتوانستند به رفع این معضلات کمک کنند.

نتیجه‌گیری

به موازات افزایش اهمیت اماکن زیارتی و تأکید برخی از مفاد دو معاهده ارزروم اول و دوم میان دو کشور ایران و عثمانی، مبنی بر رعایت احترام و توجه به نیازهای اتباع و زائران در خاک دو کشور، شهر مشهد به دلیل مرکزیت معنوی و پایگاه اصلی تشیع در ایران، جایگاه میزبانی به‌ویژه برای اتباع عثمانی را حفظ نمود.

مباحث مقاله حاضر بدین‌صورت قابل بررسی و استنتاج است. تبیین مشکلات برخی از اتباع عثمانی مشهد از دوره مشروطه به بعد از جمله، در راه ماندگی؛ تمام شدن بودجه و ملزومات سفر؛ موانع صدور تذکره؛ محبوس شدن برخی از ایشان به دلایل مختلف؛ جلوگیری حاکمان مالیه مشهد از صدور جواز تجارت و کسب و کار؛ مصون نبودن از سرقت اموال یا از بین رفتن مال بر اثر حوادث طبیعی، همچون حریق و...؛ که گاه در دراز مدت موجب تکدر خاطر اتباع به لحاظ روحی و جسمی و گاه تحمل پاره‌ای از مشکلات مالی می‌شد.

با توجه به اینکه تنها ملجأ و کانون معنوی اتباع در مشهد، آستان قدس رضوی بود و در زیرمجموعه نظارتی پادشاهان قاجار قرار داشت، حل این مشکلات می‌توانست فرصتی برای این مجموعه نظارتی باشد. فرصت از آن جهت که کنترل و افزایش خدمات‌دهی به اتباع مسلمان عثمانی، اعتباری مذهبی برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد و از سوی دیگر باعث تقویت عوامل همگرایی دو کشور مسلمان ایران و عثمانی می‌شد، آن هم در شرایطی که مردم دو کشور، سال‌ها مخاصمه را تجربه کرده بودند و حتی بعد از معاهدات صلح نیز هنوز درگیر مشکلات متعدد بودند.

نتایج هم‌چنین نشان می‌دهد، در سال‌های پایانی عصر قاجار، رعایت حقوق عثمانی‌ها به عنوان اتباع خارجی در مشهد و حفظ شئون آن‌ها و تلاش برای خروج‌شان از بن‌بست‌های پیش‌آمده از طریق مکاتبات مکرر با اداره مالیه و وزارت امور خارجه ایران، در شرایطی جریان داشت که خود آستان قدس به لحاظ اقتصادی و دیوانی دچار مشکل بود. با این وجود، مناسب‌سازی زیرساخت‌های مورد نیاز اتباع عثمانی در اولویت اقدامات آن‌ها قرار داشت.

برخی از این معضلات با تلاش‌های حمایتی متولیان و مکاتبات آن‌ها با ادارات مربوطه دولتی تهران و خراسان مرتفع می‌شد، و بخشی دیگر به دلیل مناسب نبودن زیرساخت‌های اقتصادی اواخر عصر قاجار و عدم همکاری سریع و به موقع ادارات ذیربط، که حکایت از نابسامانی‌های دیوانی در این دوره داشت به شکل لاینحل باقی ماند و به شکل‌های دیگر به دوره بعد انتقال یافت.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۴)، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی.
- امامی خوبی، محمدتقی و فهیمه رضایی (۱۳۹۲)، «نقش ناسیونالیسم در فروپاشی امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول»، فصلنامه مسکویه، ش ۲۷، ص ۵۵-۸۸.
- بابانی طاهر، ثنائی حمیدرضا (۱۳۹۹)، خراسان در نگاه عثمانیان (با تاکید بر منابع ترکی عثمانی). پژوهشنامه خراسان بزرگ، س ۱۰، ش ۴۱، ص ۵۷-۷۲.
- پارسا دوست، منوچهر (۱۳۷۰)، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- تابنده گنابادی، سلطان حسین (۱۳۵۹)، حاشیه بر ذوالفقار تألیف ملاعلی گنابادی، تهران، حقیقت.
- دشتکی‌نیا، فرهاد (۱۳۹۹)، «بحران معیشت و انقلاب مشروطیت»، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۱۲، ش ۲، ص ۱۷۱-۲۰۳.
- رفعت افندی، احمد (۱۲۹۹ق)، لغات تاریخی و جغرافیه، ج ۳، استانبول، مطبعه محمود بک.
- ریاحی، محمدمین (۱۳۶۸)، سفارتنامه‌های ایران، تهران، طوس.
- سامی، شمس‌الدین (۱۳۱۷)، قاموس ترکی، چاپ احمد جودت، در سعادت استانبول: اقدام مطبعه سی.
- سیف، احمد (۱۳۷۳)، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران، چشمه.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۵)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، شمیم.
- شهرستانی، سید محمدحسین (۱۳۷۲)، شهریار جاده‌ها، سفر ناصرالدین شاه به عتبات‌عالیات، به کوشش محمدرضا عباسی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
- علیزاده بیرجندی، زهرا و همکاران (۱۳۹۱)، «تأثیر کارکردهای متولیان آستان قدس رضوی در فرهنگ تشیع (مطالعه موردی: عصر قاجاریه)»، فصلنامه تاریخ اسلام، س دوم، ش ۶، ص ۷۷-۱۰۷.

- _____، زهرا (۱۳۸۵)، «عوامل مؤثر بر روابط ایران و عثمانی»، ماهنامه زمانه، س پنجم، ش ۵۰، ص ۳۹-۴۱. فارابی، شهین (۱۴۰۱)، «بررسی تطبیقی اقدامات اقتصادی ظهیرالاسلام، متولی‌باشی آستان قدس رضوی (۱۳۳۴-۱۳۳۵ق) و (۱۳۳۸-۱۳۳۹ق)»، پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، ش ۲، ص ۲۲۳-۲۵۰.
- فراهانی، میرزا حسین (۱۳۴۲)، سفرنامه میرزا حسین فراهانی، به کوشش حافظ فرمانفرمانیان، تهران، دانشگاه تهران. قصابی‌گزکوه، جلیل (۱۴۰۲)، «تجارت مشهد و عوامل مؤثر بر آن از دوره مظفرالدین‌شاه تا پایان دوره قاجار»، (پایان‌نامه مقطع دکتری - تاریخ ایران اسلامی)، به راهنمایی دکتر هادی وکیلی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- کاتب چلبی (حاجی خلیفه)، مصطفی بن عبدالله (۱۲۴۵ق)، جهان‌نما، قسطنطنیه، دارالطباعة عامره. کاظم‌بیگی، محمدعلی (۱۳۹۹)، «سوءمدیریت در ایران عصر قاجاریه: تشکیلات آستان قدس رضوی (۱۳۳۴-۱۳۳۵ق)»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات تاریخ اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۱ (پیاپی ۱۹)، ص ۲۴۷-۲۷۲.
- کوهی کرمانی، حسن (۱۳۲۴)، تاریخ تریاک در ایران، تهران، علمی.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی دوره قاجاریه (۱۳۶۹)، جلد اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. مرسولوند، حسن (۱۳۶۹)، زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران، تهران، الهام.
- مهندس‌باشی مشیرالدوله، میرزا سید جعفرخان (۱۳۴۸)، رساله تحقیقات سرحدیه، به اهتمام محمد مشیری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- نجف‌زاده، علی و مجتبی خلیفه (۱۳۸۰)، «تأسیس شهرداری ترکیه در مشهد و نقش محمد سامی‌بیگ در اتحاد سه‌گانه اسلامی ایران، ترکیه و افغانستان»، مجله تاریخ ایران، ش ۵/۶۵، ص ۱۳۷-۱۵۶.
- نجف‌زاده، علی و جلیل قصابی‌گزکوه (۱۴۰۰)، تاریخ اقتصادی مشهد از دوره ناصری تا انقلاب اسلامی، جلد اول، مشهد، شهرداری. نصیری، محمدرضا (۱۳۷۱)، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، جلد سوم از ۱۲۶۴ تا ۱۳۰۷ق، تهران، کیهان.
- _____، محمدرضا (۱۹۹۱م)، مناسبات ایران و عثمانی در زمان ناصرالدین شاه (۱۸۴۸م-۱۸۹۶م)، توکیو، مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا.
- Ahmadavand, Zainab and Malekzadeh Prinaz, (1997). "Components of divergence and convergence in the relations between Iran and the Ottoman Empire in the Qajar era (1795-1925)", *The Islamic University College Journal*, No. 69, p. 23-38.

اسناد منتشر نشده آستان قدس رضوی:

- ساکماق (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی): ۲۶۳۵: نامه حکمران سیسان و قاینات به کنسولگری انگلیس در رابطه با نبود سندی دال بر همکاری میرعلی‌خان با آلمان‌ها، احضار او به بیرجند جهت بررسی بیشتر و رد نظر دولت انگلیس مبنی بر حمایت سیستمی‌های سنی مذهب از عثمانی‌ها، ۱۳۳۳ق.
- ۱۰۴۷۷۵: شکایت سید جواد ظهیرالاسلام به مشارالسلطنه پیشکار ایالتی از اداره نظمی به جهت مصادره اموال میناخاقان متوفی و دستگیری فرزند نامبرده به اتهام سرقت قسمتی از اثاثیه مذکور، ۱۳۳۵ق.

- ۱۰۴۶۴۱: درخواست سید جواد ظهیرالاسلام از والی خراسان جهت استخلاص امیرعلی خان ضیاءخاقان از حبس نظمیہ.....، ۱۳۳۵ق.
- ۱۰۳۲۱۷: تقاضاهای مرتضی قلی طباطبایی از ریاست تذکره خراسان و سیستان جهت صدور تذکره عبور برای تعدادی از کارکنان آستان قدس به منظور سفر به کشورهای روس و عثمانی، ۱۳۳۱ق.
- ۱۰۴۱۲۵: توقیف یک باب منزل اختلافی میان شیخ عباس تبعه دولت عثمانی و میرزا محمود زیارت‌نامه خوان توسط کارگزار خارجه خراسان و درخواست سیدجواد ظهیرالاسلام از این اداره رسیدگی به این موضوع، ۱۳۳۴ق.
- ۶۱۸۰۱: درخواست تاجرباشی دولت عثمانی مقیم تهران جهت پرداخت هرچه سریع‌تر مابقی وجه میرزاعلی آقا کردستانی از اتباع کشور مذکور، ۱۳۲۴ق.
- ۶۳۰۰۵: شکایت طایفه‌ای از اعراب معروف به بیچاره به علت اخذ مالیات بخشوده شده از آنان و وساطت متولی‌باشی در جهت حمایت از آن‌ها، ۱۳۳۹ق.
- ۱۰۴۳۵۷: درخواست سید جواد ظهیرالاسلام از ریاست قشون خراسان جهت اعزام نماینده‌ای به دارالتولیه، به منظور تحویل ماترک ضیاء خاقان به همسر تبعه عثمانی او، ۱۳۳۴ق.
- ۲۵۳۱۹: درخواست زوار غیر ایرانی از آستان قدس جهت کمک و اجابت این درخواست در شعبان ۱۳۳۳ق.
- ۱۰۴۳۷۶: سخت‌گیری ظهیرالاسلام در مورد صدور جواز تریاک از مزارع استیجاری خراسان. (ادامه سند ۴۳۷۶). ۱۰۳۹۲۴.

اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه:

- ۱۹-۲۸/۸۷- شرح مشاغل مختلف اتباع عثمانی در مشهد و الزام آن‌ها به پرداخت مالیات اصناف به کارگزاران این شهر، ۱۳۲۱ق.
- ۱۹-۲۸/۲۶- دستور وزارت خارجه به کارگزاری ایران در مورد قانون دریافت مالیات اصناف از اتباع عثمانی، ۱۳۲۳ق.
- ۸۵-۲-۱- درخواست سفارت عثمانی از وزارت خارجه جهت تحقیق و پرداخت غرامت بابت حریق تیمچه مسیو طودوری (از اتباع تاجر عثمانی در مشهد)، ۱۳۲۴ق.
- ۱۵/۵-۲۱- اهمیت تایید کنسول انگلیس برای دولت عثمانی در مورد امور اتباع عثمانی در مشهد تا سال ۱۳۳۷ق.
- ۸۵/۱-۲- گزارش حاج حسن مقوم (دلال اتباع خارجی در مشهد) به کنسولگری انگلیس در مورد کمتر بودن ارزش ریالی اموال طودوری از آنچه که خودش ادعا نموده است، ۱۳۲۴ق.
- ۳۷/۱۸-۲۶- شکایت سید حسن طباطبایی (از تبعه تاجر پیشه عثمانی) در مورد ثبت و ضبط اموالش در مشهد، ۱۳۳۵ق.

References

- Adamiyat, Fereydun (1975), *Amir Kabir va Iran*, Tehran, Kharazmi.
- Ahmadvand, Zainab and Malekzade Parinaz (1997), "Components of divergence and convergence in relations between Iran and the Ottoman Empire in the Qajar era (1795-1925)", *The Islamic University College Journal*. No. 69, pp. 23-38.
- Alizade Birjandi, Zahra (2012), "The effect of the functions of the Astan-i-Quds-i-Radhawi in shiism culture (case study: Qajar era)", *History of Islam 2*, No. 6, pp. 27-107.
- , Birjandi, Zahra and colleagues (2006), "Effective Causes on Relations between Iran and Ottoman", *Zamane 5*, No. 50, pp. 39-41.

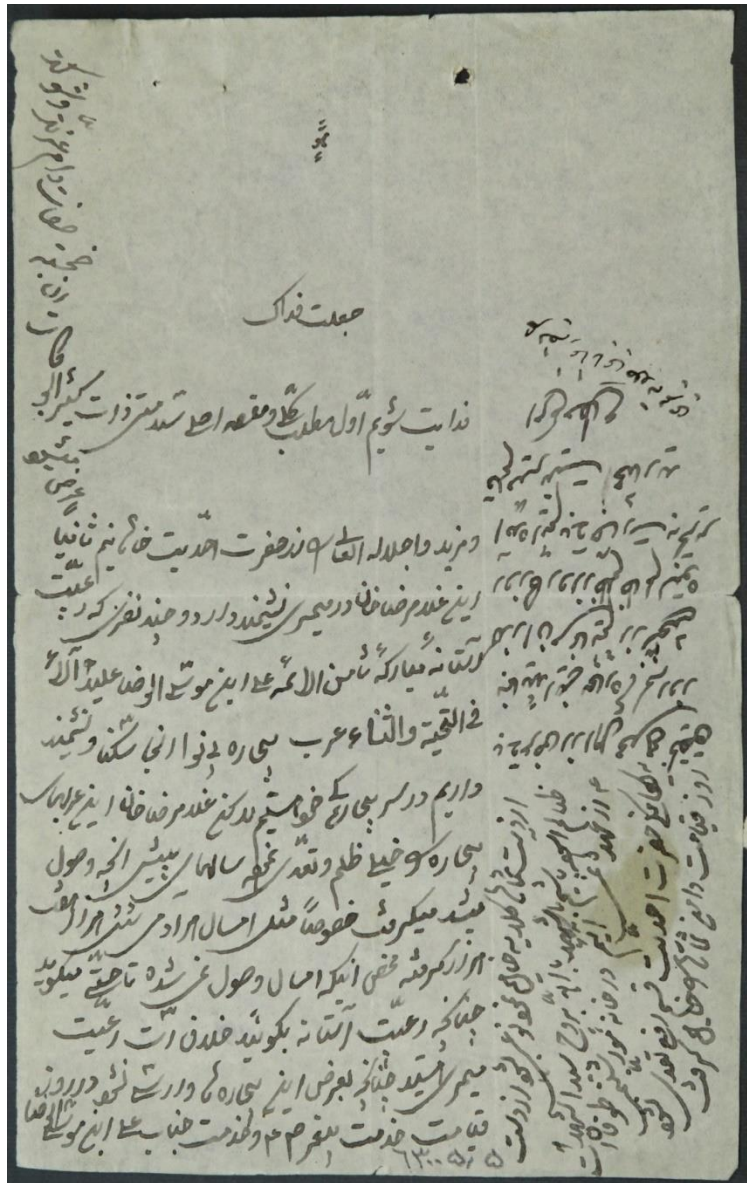
- Babaei Taher, Sanaei Hamidreza (2019), Khorasan in the Eyes of the Ottomans (with emphasis on Ottoman Turkish sources). *Journal of Greater Khorasan*, Vol. 10, No 41 , pp. 57-72.
- Dashtakinia, Farhad (2020), "Livelihood crisis and constitution revolution", *Historical sociology*, serial No. 12, No. 2, pp. 171-203.
- Emami Khouee, Mohammad Taghi and colleagues (2012), "The role of Nationalism in Ottoman empire overthrowing in the first world war", *Meskeveyh*, No. 27, pp. 55-88.
- Farabi shahin (2022), "Comparative study of the actions of Zahir al-Islam, the Motavalli-Bashi of Astan Quds Radhawi, 1915-1916/1334 -1335 AH and 1919-1920/1338-1339 AH", *Journal of Documentary and Archival Studies*, No. 2. pp. 223-250.
- Farahani, Mirza hossein (1963), *Safarname-ye Mirza Hossein Farahani*, Hafez Farmanfarmanian (ed.), Tehran, Tehran university.
- Ghassabigazkuh, Jalil (2023), "Mashhad Trade and its effect Causes on it from mosaferrudin shah era to the end of Qajar era» (*PH.D Tezis - History of Islamic Iran*), Advisering Dr. Hadi vakili, Ferdowsi university of mashhad, Faculty of literature and humanities.
- Gozideh-ye Asnad-e Siasi-ye Iran va Osmani Doreh-ye Qajar* (1990), Vol. 1, Office of political and international studies.
- Katip Chelebi (Haji Khalifa) (1829), Mustafa bin Abdullah, Constantinople, Amere. *Jahan-Nama*, GHostantanie, Amere.
- Kazembeygi, Mohammad Ali (2020), "Mismanagement in the Qajar Iran: Astan-i-Quds-i Radhawi organization of the shrine, of Imam Reza (AS), 1915-1916/1334-1335 AH", *Tahqiqāt-e Tārikh-e Ejtemā'i* , vol. 10, issue 1, serial No.19, pp. 247-272.
- Kouhi Kermani, Hasan (1945), *Tarikh-e Taryak dar Iran*, Tehran, Elmi.
- Mohandes-bashi Moshiradole, Mirza seied Jafarkhan (1969), *Resaleh-ye Tahqiqat-e Sarhaddiye*, Mohammad Moshiri (ed.), Tehran, Bonyade-Farhange Iran.
- Morsalyvand, Hasan (1990), *Zendeginameh-ye Rejal va Mashahir-e Iran*, Tehran, Elham.
- Najafzade, Ali and Jalil Ghassabi Gezkooh (2021), *Economic History of Mashhad from Naseri era to Islamic revolution*, Vol. 1, Mashhad, shahrdari.
- Najafzade, Ali and Mojtaba Khalifeh (2010), "The establishment of Turkish Shahbandari and the role of Mohammad Sami Beig in Islamic Triple Alliance Iran, Turkey and Afphanistan", *History of Iran*, No 65,5, pp 137-156
- Nasiri, Mohammadreza (1991), *Monasebate Iran va Osmani dar Zamane Nasereddin shah (1848-1896)*, Tokyo Institute for the study of languages and cultures of Asia and Africa.
- , mohammadreza (1992), *Asnad va Mokatebat-e Tarikhi-ye Iran*, vol. 3 from 1848-1889, Tehran, Keyhan.
- Parsadoust, manouchehr (1991), *Rishehaye Tarikhi-ye Ekhtelafat-e Iran va Iraq*, Tehran, Sahami Company.
- Rafat Afandi, Ahmad (1881), *Loghat-e Tarikhiye va Joghrafiye*, vol. 3, Istanbul, Mahmoudbak .
- Riahi, Mohammad amin (1989), *Sefaratnameha-ye Iran*, Tehran, Toss.
- Sami, Shams- al-din (1938), *Qamus-e Turki*, Saadat Istanbul Door, Aqdam Matbaasi.
- Seif, Ahmad (1994), *Eqtesad-e Iran dar Qarne 19th century*, Tehran, Cheshme.
- Shahrestani, Seied Mohammad hosein (1993), *Shahriar-e Jaddeha, Safar-e Nasere-din Shah be Atabet aliat*, Mohammadreza Abbasi (ed.), Tehran, organization of Iran's national documents.
- Shamim, Ali asghar (1996), *Iran dar Doreh-ye Saltanate Qajar*, Tehran, Modabber.
- Tabande Gonabadi, Soltan Hosein (1981), *Hashiye bar Zolfaqar-e Molla Ali Gonabadi*, Tehran, Haghigat.

Unpublished documents of Astan Quds Razavi:

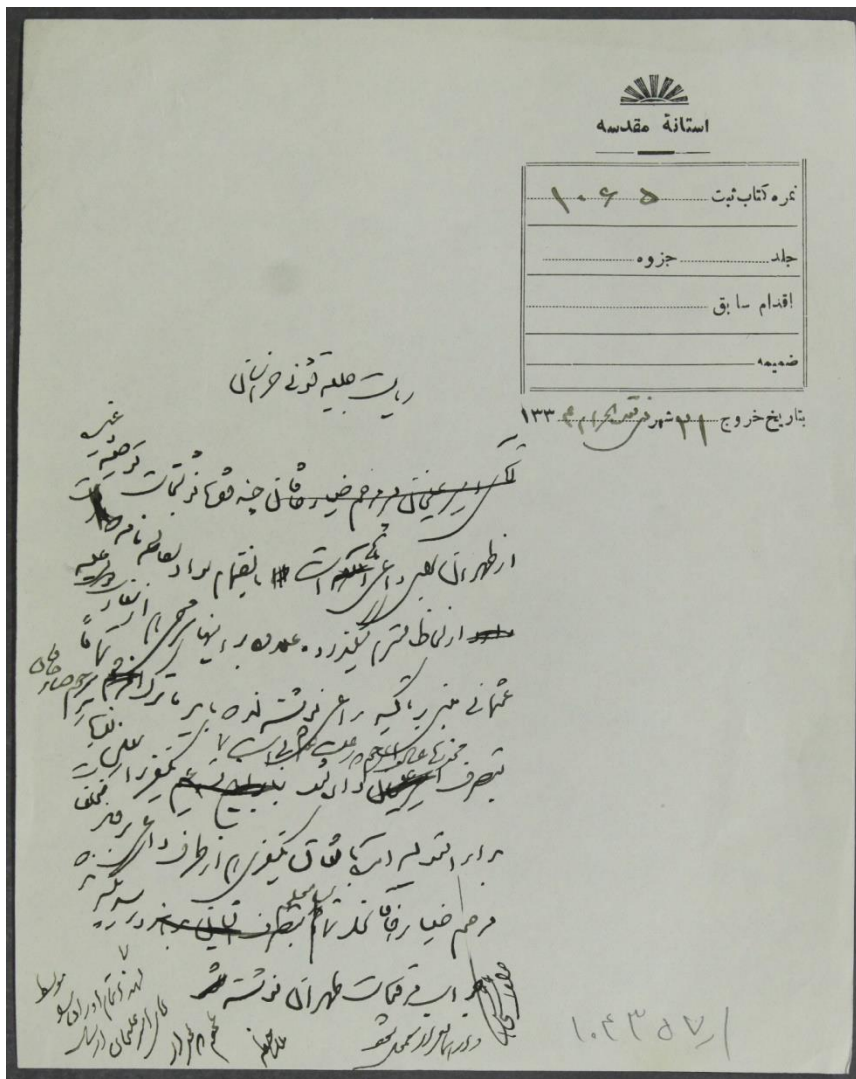
- 2635) Letter from the ruler of Sistan and Qayenat to the British Consulate regarding the lack of evidence of Mir Ali Khan's cooperation with the Germans, her summons to Birjand for more investigation, and the British government's rejection of the Sunni Sistanis' support for the Ottomans, 1914.
- 104775) Complaint by Sayyid Jawad Zahir-ul-Islam to the provincial royal advisor of the Nazmiyyah administration regarding the confiscation of the deceased Minakhaqan's property and the arrest of the said son on charges of stealing part of the aforementioned furniture, 1916.
- 104641) Seyyed Javad Zahir al-Islam's request to the governor of Khorasan to release Amir Ali Khan Zia Khaqan from prison in Nazmiyyah..., 1916.
- 103217) Morteza Qoli Tabatabaei's requests to the Khorasan and Sistan Department of Immigration to issue travel permits for a number of employees of the Astan-i-quds for travel to Russian and Ottoman countries, 1913.
- 104125) The detention of a house in dispute between Sheikh Abbas, a citizen of the Ottoman Empire, and Mirza Mahmud- ziarat Name- khan, by the foreign agent of Khorasan, and the request of Sayyid Jawad Zahir al-Islam to this office to investigate on this matter, 1915.
- 61801) Request from the Ottoman government's merchant chief inhabit in Tehran to pay the remaining amount owned by Mirza Ali Agha Kurdistani to the citizens of the aforementioned country as soon as possible, 1906.
- 63005) A tribe of Arabs known as the "Bechara" complained about taking the tax being waived from them and the mediation of the trustee to support them, 1920.
- 104357) Seyyed Javad Zahir al-Islam's request to the head of the Khorasan army to send a representative to the Dar al-Tulayyah to deliver Zia Khaghan's estate to his Ottoman wife, 1915.
- 25319) Non-Iranian pilgrims requested assistance from the Holy Shrine of Jerusalem in Sha'ban 1914.
- 104376) Zahir al-Islam's strictness in issuing opium permits from Khorasan's leased farms.
- 103924) Continuation of the document 104376.

Unpublished State Department documents:

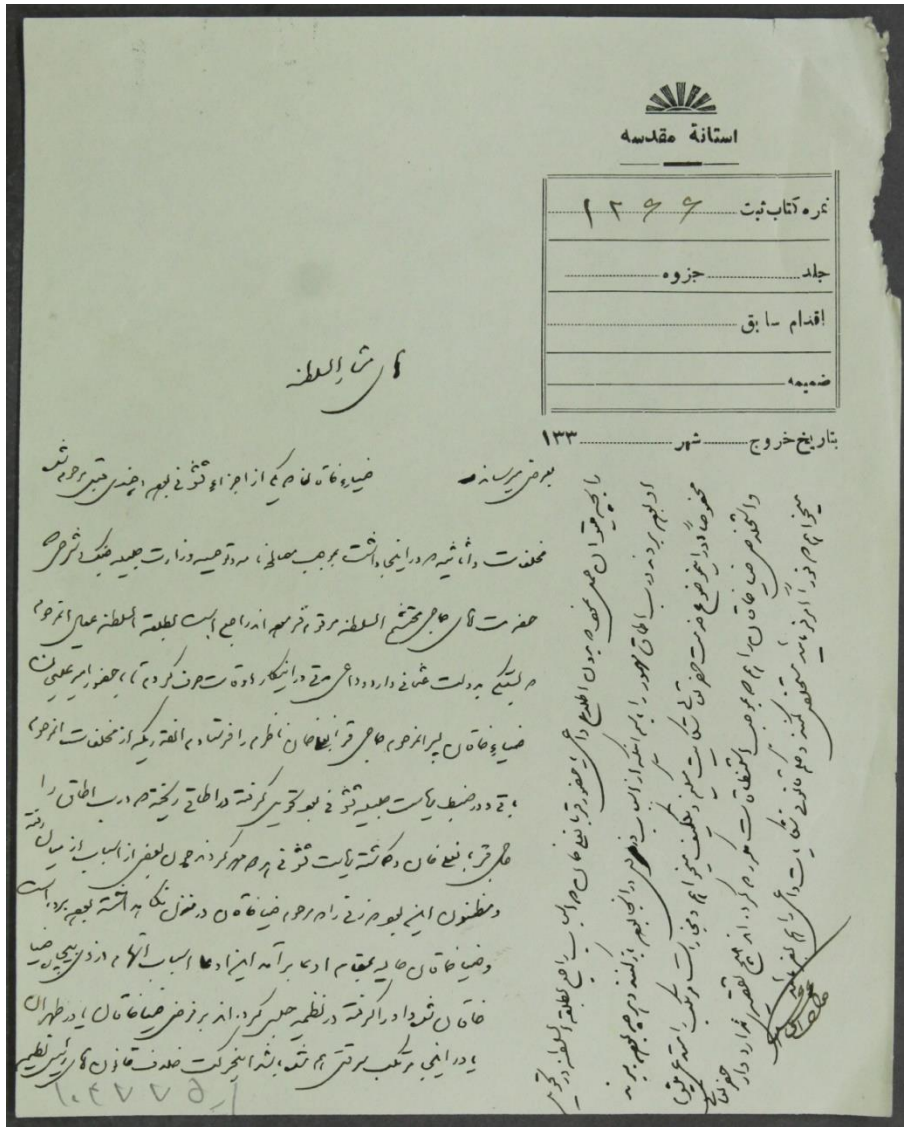
- 19/28/87) Description of various occupations of Ottoman citizens in Mashhad and their obligation to pay guild taxes to the city's agents, 1903.
- 19-28/26) Order from the Ministry of Foreign Affairs to the Iranian Agency regarding the law on collecting guild taxes from Ottoman citizens, 1905.
- 1-2-85,97) Request from the Ottoman Embassy to the Ministry of Foreign Affairs to investigate and pay compensation for the fire of the Timcheh of Monsieur Todori (an Ottoman merchant citizen in Mashhad), 1906.
- 21,15/5) The importance of the British Consul's approval for the Ottoman government regarding the affairs of Ottoman citizens in Mashhad until 1918.
- 1-2-85/1) Report by Hajj Hassan Moqoom (a broker for foreign nationals in Mashhad) to the British Consulate regarding the lower rial value of Todori's property than he himself claimed.1906.
- 26-37/18) Complaint of Sayyid Hassan Tabataba'i (an Ottoman merchant) regarding the registration and seizure of her property in Mashhad, 1916.



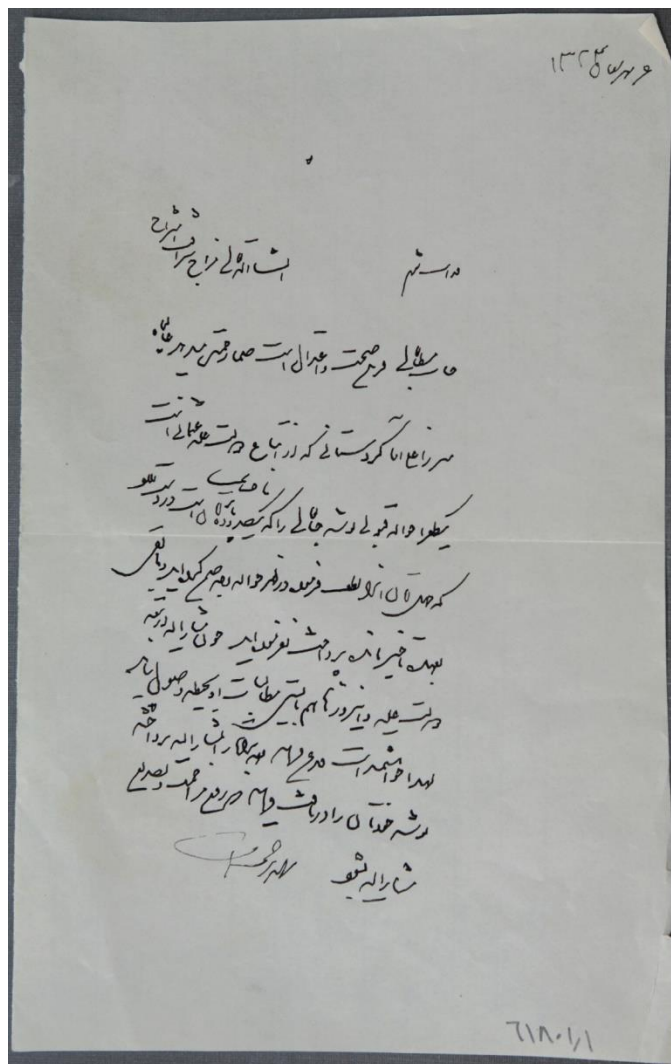
تصویر ۱: شکایت طایفه ای از اعراب معروف به بیچاره به علت اخذ مالیات بخشوده شده از آنان و وساطت متولی‌باشی در جهت حمایت از آنها، ۱۳۳۹ق



تصویر ۲: درخواست سید جواد ظهیرالاسلام از ریاست قشون خراسان جهت اعزام نماینده‌ای به دارالتولیه به منظور تحویل ماترک ضیاء خاقان به همسر تبعه عثمانی او، ۱۳۳۴ق



تصویر ۳: شکایت سید جواد ظهیرالاسلام به مشارالسلطنه پیشکار ایالتی از اداره نظمی به جهت مصادرة اموال میناخان متوفی و دستگیری فرزند نامبرده به اتهام سرقت قسمتی از اثاثیه مذکور، ۱۳۳۵ق



تصویر ۴: درخواست تاجرباشی دولت عثمانی مقیم تهران جهت پرداخت هرچه سریع‌تر مابقی وجه میرزاعلی آقا کردستانی از اتباع کشور مذکور، ۱۳۲۴ق

Analysis of the challenges and problems of some Ottoman citizens in Mashhad from the constitutional period to the end of the Qajar era